

## مقدمه

دیوان بین المللی دادگستری مرجعی برای گسترش عدل و داد در عرصه بین المللی در سطح دولتهاست و اصل بر آن است که این دیوان بر اساس و مبتنی بر حقوق بین الملل عمومی به ترافعات رسیدگی قضایی کند و البته دیوان برای انجام این وظیفه ذاتی خود باید قانونمند عمل نماید و این چنین نیز هست در غیر اینصورت نمی تواند دیوانی دادگستر تلقی شود بلکه عمل او فرایندی اختصاصی و موردی و اتفاقی بوده و جزء سایر روشهای حل و فصل اختلافات بین المللی انگاشته خواهد شد. در ضمن دیوان خود نیز با رسیدگی هایش حقوق را می سازد چرا که یکی از منابع حقوق بین الملل تصمیمات قضایی دیوان در کل میباشد<sup>۱</sup> و فقط دیوانی که بصورت دائمی تشکیل شده باشد در کنار تصمیم گیری در خصوص منازعات بین المللی می تواند تلاش کافی در توسعه تدریجی حقوق بین الملل نیز انجام دهد. برای قانونمندی دیوان و کارکرد آن شرایطی لازم است که این شرایط را شاخصه های قانونمندی<sup>۲</sup> (مشروعیت) می نامند و آنها عبارتند است از: منجز بودن<sup>۳</sup> اعتبار نمادین<sup>۴</sup> یکنواختی<sup>۵</sup> (پیوستگی) و تبعیت از قواعد یا اقتدای آنها به اصول کلی حقوق و قانون اساسی جامعه بین المللی. با وجود این امور دیوان ریشه در عدالت دارد. وقتی صحبت از یکنواختی کارکرد دیوان می شود لاجرم قاعده سابقه<sup>۶</sup> به ذهن خطور می کند و در حد لزوم با اعمال این قاعده است که می توان یکنواختی در رویه و روند دیوان را مشاهده نمود. حال باید سیستم حقوقی حاکم بر دیوان را بررسی نمود تا به رویکرد دیوان بین المللی دادگستری در قبال قاعده سابقه پی برد و سپس با دقت در تصمیمات و آراء دیوان جهانی و بررسی سوابق باید ببینیم که آیا دیوان بدون هیچ

ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری با در نظر گرفتن ماده ۵۹ آن

<sup>2</sup> Indicators of legitimacy

<sup>3</sup> Determinacy

<sup>4</sup> Symbolic validation

<sup>5</sup> Coherence

<sup>6</sup> Precedent

شرط و شروطی و الزاما و تکلیف وار همچون دادگاههای کامن لا از سوابق خود در موارد مشابه استفاده کرده و به آنها استناد می کند یا در مواردی از آنها عدول نیز می کند؟ این مسئله بسیار مهم است و این توانایی را به طرفین یک پرونده می دهد که در صورت لزوم بتوانند موارد و محدوده ی عدول دیوان از سوابق خود را درک کرده و تقریبا رفتار دیوان در موارد مشابه را حدس بزنند و در ارائه و تشکیل پرونده نزد دیوان ارشاد گیرند. تصمیمات دیوان بین المللی دادگستری تقریبا همچون دادگاههای حقوق عرفی<sup>۱</sup> سرشار از ارجاع به سابقه می باشد. اگر چه تصمیمات قبلی دیوان و تصمیمات سلف آن برای دیوان الزام آور نمی باشد لیکن دیوان به آنها به منزله متون معتبر و قابل استناد خود در قضیه تصمیم گرفته شده نگرینسته و با تکیه و استناد به آنها نشان می دهد که همیشه آنها را مد نظر قرار میدهد. در حالی که ارجاع به سابقه در دادگاههای حقوق عرفی کاملا الزام آور است ولی در آخرین مراجع رسیدگی قضایی انعطاف پذیر تر شده اما رویه قضایی دیوان بین المللی دادگستری استمرار (پیوستگی) رویه ای قابل ذکر و تاملی از خود نشان داده است. سیستم حقوقی دیوان بین المللی دادگستری که با اندک تغییراتی همان سیستم حقوقی دیوان دائمی بین المللی دادگستری است سیستم خاص و منحصر بفردی است لیک ن در مقام مقایسه با سایر نظامها و سیستمهای حقوقی شناخته شد ه علیرغم تفاوتها شباهتهایی نیز با سیستم دادگاههای حقوق عرفی دارد. یکی از شاخص ترین شباهتها اینکه دیوان نیز برای سوابق خود و دیوان سلف خود احترام و ارزش زیادی قایل بوده و همیشه آنها را مد نظر قرار داده و تاکید زیادی به پیوستگی و یکنواختی آراء خود دارد و من ظور از آن رفتار یکسان با موارد مشابه<sup>۲</sup> می باشد. و از این طریق به توسعه تدریجی حقوق بین الملل می پردازد و اصولا در مسیر استفاده از سوابق از طریق استدلال و

---

<sup>۱</sup> Common law

<sup>۲</sup> To treat alike with likes

تفکیک پیش می‌رود. منظور از سابقه رای صادره قبلی توسط خود دیوان و یا دیوان سلف اوست که در موارد مشابه بعدی بکار گرفته می‌شود. جالب آنکه دیوان در برخی موارد به آراء محاکم بین‌المللی قبلی نیز به غیر آراء خود و سلفش نیز احترام قایل بوده و آنها را مد نظر قرار داده است علیرغم اینکه جزء سوابقش نبوده و الزامی بدان کار نیز نداشته است (رای داوری پرونده کاستاریکا پاکت (۱۸۸۸) و تفکیک آن با پرونده قضیه لوتوس (۱۹۲۷)). دیوان بین‌المللی دادگستری مرتباً به آراء پیشین رجوع و استناد می‌نماید و بدینوسیله ثابت می‌کند که آرای پیشین خود و دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی مجموعه یکنواختی از رویه قضایی منسجم را تشکیل داده که اصولاً در موارد مشابه بعدی لازم‌الاتباع خواهند بود مگر در مواردی که اصول مذکور با قضایای<sup>۱</sup> جدید به نحوی از انحاء متفاوت باشند که دیوان اقدام به تفکیک<sup>۲</sup> پرونده‌ها می‌نماید. روش تفکیک مناسب برای تعیین سابقه و رویه‌ی قابل استناد که اصول و احکام حقوقی را شکل می‌دهد از تصمیمات خاصی که در ماده‌ی ۵۹ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری به آن اشاره شده است چیست؟ جهت پاسخ به این سؤال و سئوالات مشابه در خصوص تفکیک پرونده‌ها و قضایای نزد دیوان حاضر و مسایل مرتبط با آن به اختصار صحبت خواهد شد. لیکن آنچه این پژوهش بدان می‌پردازد بحث پیرامون عدول<sup>۳</sup> دیوان بین‌المللی دادگستری از رویه و سوابق خودش می‌باشد و سعی می‌شود به تفصیل به مسایل پیرامونی آن نیز پرداخته شود. سئوالات اصلی که در این پژوهش بدنبال پاسخ بدان هستیم این است که آیا اصولاً دیوان میتواند (صلاحیت دارد) از سوابق خود و یا از سوابق دیوان سلف خود عدول کند؟ اگر جواب مثبت است آیا دیوان به هر شکل ممکن قادر به اعمال این حق می‌باشد؟ و یا در اعمال این حق محدودیت‌هایی دارد؟ محدوده‌ی اعمال این قاعده (عدول)

---

<sup>1</sup> Cases

<sup>2</sup> Distinguishing

<sup>3</sup> Departure

چیست؟ و.... البته عموماً پیشنهاد نمی شود که دیوان همه چیز را از دکتترین الزام آور سابقه در دادگاه های حقوق عرفی اتخاذ کند چرا که در واقع سلسله مراتب ضروری سیستم قضایی که خمیرمایه ی قاعده ی الزام آور ارجاع به سابقه می باشد اساساً در حقوق بین الملل وجود ندارد.

مسئله دیگر، مسئله نقض یا نادیده گرفتن<sup>1</sup> سابقه می باشد: آیا دیوان می تواند سوابق خود را نادیده بگیرد یا با تصمیم جدید خود در مورد قضیه مشابه سابقه یا سوابق خود را نقض کند؟ و یا اینکه عملاً چنین اتفاقی می افتد؟ سئوالات طرح شده در فوق و سئوالاتی از این قبیل که در مورد مسئله اصلی مطرح است جملگی علل اصلی شکل گیری این پژوهش می باشند ضمن اینکه موضوعات جنبی نیز مورد بررسی قرار خواهند گرفت. علیهذا این پایان نامه در سه بخش کلی با فصول سه گانه و در گفتارهای مختلف تدوین که در بخش اول به موضوع آشنایی با دیوان جهانی (دیوان حاضر و سلفش) پرداخته شده است. از آنجایی که پرداختن به اصل موضوع پژوهش حاضر، مستلزم داشتن اطلاعاتی از قاعده ی سابقه و فن تفکیک به عنوان پیش نیاز می باشد و سیستم حقوق عرفی به عنوان غنی ترین مرجع این قاعده است لاجرم و به علت وجود مشابهت هایی بین این دو سیستم در بخش دوم و با هدف آشنایی کلی به بررسی قاعده سابقه و فن تفکیک در دیوان و مقایسه ی این موجد و عادت در دادگاههای کامن لا پرداخته شده است. در بخش سوم و پسین این پژوهش به مسئله اصلی پایان نامه که همانا بررسی عدول دیوان بین المللی دادگستری از سوابق خود است پرداخته شده است. در نهایت به ارائه نتیجه گیری کلی از مباحث مطرحه پرداخته شده است.

لذا به طور موجز و مختصر می توان گفت: در این تحقیق سعی شده است به مسائل ذیل پاسخ

داده شود:

---

<sup>1</sup> Overruling

۱. آیا اصولاً دیوان جهانی صلاحیت و یا حق عدول از سوابق خود را دارد؟

۲. در صورت مثبت بودن پاسخ حدود و ثغور این توانایی کدام است؟

۳. آیا دیوان می تواند با نادیده گرفتن سوابق آنها را نقض نماید؟

نکته ای که ذکر آن را لازم می داند اینک که گرچه در خصوص دیوان دائمی دادگستری بین المللی و دیوان بین المللی دادگستری و موضوعات و مطالب مرتبط کتب مقالات پایان نامه ها و دست نوشته های فراوانی به فارسی در دسترس همگان است لیکن بررسی موضوع اصلی این پژوهش تازگی دارد و غالباً از منابع انگلیسی زبان و در مواردی فرانسه زبان استفاده شده است. و به این علت و علیرغم میل باطنی و ناگزیر مکرراً اقدام به ارجاع به پاورقی جهت جلوگیری از خطای در ترجمه و ارائه اصطلاح یا عبارت اصلی نموده است.

### روش تحقیق

در این تحقیق از روش تحلیلی استفاده شده است و مطالب به صورت کتابخانه ای جمع آوری شده است از جمله دشواری های قابل توجه در این تحقیق کمبود منابع است که در موضوعات جدیدی چون این موضوع امری طبیعی است. این پایان نامه از سه بخش که هر کدام شامل سه فصل می باشد تشکیل شده است.

بخش اول در خصوص تاریخچه و تشکیل و صلاحیت و آئین رسیدگی در دیوان بین المللی دادگستری و سلف آن تحت عنوان آشنایی با دیوان جهانی می باشد و بخش دوم بطور کلی قاعده ی سابقه و فن تفکیک را مورد بررسی قرار می دهد و در بخش سوم موضوع عدول دیوان بین المللی دادگستری مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

بخش اول:

آشنایی با دیوان جهانی

مطالب این بخش در سه فصل بیان شده است در گفتارهای فصل نخست تاریخچه و نحوه ی تشکیل و صلاحیت و نحوه ی روند فعالیت دیوان دائمی دادگستری بین المللی و در گفتارهای فصل دوم به بررسی صلاحیت و آئین رسیدگی دیوان بین المللی دادگستری پرداخته شده است. در فصل سوم نیز به وجوه افتراق و اشتراک این دو دیوان جهانی پرداخته شده است. چرا که آشنایی اجمالی با این مباحث در فهم مطالب بخشهای آتی این تحقیق بی فایده نیست.

## فصل اول : دیوان دائمی دادگستری بین المللی

### کلیات

تاکنون دو دستگاه قضایی، عهده دار حل اختلافات بین المللی شده اند؛ اولی، دیوان دائمی دادگستری بین المللی بود که در ۱۹۲۰ میلادی ایجاد و در ۱۸ آوریل ۱۹۴۶ منحل شد و دیگری، دیوان بین المللی دادگستری معروف به دادگاه لاهه است که بلافاصله پس از انحلال دیوان قبلی، جایگزین آن شد و هم اکنون نیز به فعالیت خود در شهر لاهه هلند (کاخ صلح) ادامه می دهد این دیوان (دیوان بین المللی دادگستری) در سال ۱۹۴۶ پس از انحلال دیوان دائمی دادگستری به وجود آمد و جانشین آن شد. و از نظر تشکیلاتی شباهت های زیادی بین آن دو وجود دارد، لذا در این فصل ابتدا به ارائه ی تاریخچه ای مختصر از تشکیل دیوان دائمی دادگستری بین المللی و سپس به نحوه و روند فعالیت آن در طول عمر کوتاهش پرداخته و نحوه ی انحلال آن بیان خواهد شد.

### گفتار اول : چگونگی تشکیل دیوان دائمی دادگستری بین المللی

به دلیل توسعه روابط بین المللی و نیز افزایش احتمال به وجود آمدن اختلافات بین المللی و از طرف دیگر تکامل راه های حل اختلافات بین المللی، در اواخر قرن نوزدهم تلاش هایی به عمل آمد تا يك دیوان حکمیت متشکل از افراد صلاحیت دار تشکیل شود تا کشور ها برای رفع اختلافات بین المللی خود به آن مراجعه کنند. برای همین در سال های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ کنفرانس های بین المللی صلح در لاهه هلند تشکیل شد تا يك دیوان حکمیت بین المللی به وجود آید، که این تلاش ها باعث به وجود آمدن دیوان دائمی داوری شد.



موسسه الیهوروت هم در سال ۱۹۰۷ پیشنهاد کرد تا يك ديوان دادگستري جهاني - كه يك دستگاہ قضايي بود - در کنار ديوان داوري بين المللي ايجاد شد و تا قضاوت هاي بين المللي را بر عهده گيرد.

در سال ۱۹۱۰ نیز اقداماتي توسط سه کشور آمریکا، انگلستان و فرانسه در این باره انجام گرفت، اما این اقدام به دلیل آغاز جنگ جهاني اول (۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸) بدون نتیجه باقي ماند. در سال ۱۹۱۹ جامعه ملل ايجاد شد كه دولت ها با شرايط معينی، حق عضویت در آن را داشتند. بر اساس میثاق، جامعه ملل مأموریت یافت كه درباره حل مسالمت آمیز اختلافات بين المللي تلاش کرده و از کشمکش هاي بين المللي جلوگیری نماید.

جامعه ملل شامل ركن قضايي به عنوان ديوان بين المللي يا ديوان حكيمت نبود، اما ماده ۱۴ میثاق، شوراي جامعه ملل را موظف کرده بود كه طرح تشكيل يك ديوان دائمي دادگستري بين المللي را تنظیم نماید و براي تصویب آن را به اعضاي جامعه ملل ارائه دهد.

در دسامبر سال ۱۹۲۰ از طرف شوراي جامعه ملل پروتکلي ارائه شد، كه در آن تشكيل يك ديوان دائمي بين المللي دادگستري پيش بيني شده بود و این پروتکل و اساسنامه از طرف بیش از چهل کشور و با اکثریت آراء به تصویب مجمع جامعه ملل رسید و تشكيل ديوان عملي شد - تعداد تصویب کنندگان اساسنامه تا اول سپتامبر ۱۹۳۹ از پنجاه کشور تجاوز نکرد - و ديوان مقر خود را در لاهه هلند قرار داد. پس از تصویب اساسنامه آن از سوي دولت هاي عضو جامعه ملل، ديوان دائمي بين المللي دادگستري در تاريخ ۱۵ فوریه ۱۹۲۲ به ریاست لودر، حقوقدان هلندي رسماً در لاهه افتتاح شد.

### گفتار دوم : وظائف ديوان دائمي دادگستري بين المللي

وظیفه دیوان فقط رسیدگی به اختلافات ارجاعی از طرف دولت ها نبود، بلکه باید در خصوص هر گونه اختلاف یا مطلبی که از سوی مجمع یا شورای جامعه ملل ارجاع می شد نظر مشورتی می داد. ظرف آن مدت دیوان به ۷۹ پرونده ( ۵۰ پرونده ترافیعی و ۲۸ تقاضای رأی مشورتی ) رسیدگی کرد. در مورد ۲۱ دعوی ترافیعی قرار عدم صلاحیت و در مورد ۲۰ دعوی ترافیعی رأی ماهیتی صادر کرد. از ۲۸ مورد درخواست رأی مشورتی فقط در یک مورد از دادن رأی امتناع کرد و در ۲۷ مورد رأی مشورتی صادر کرد.

با آنکه دیوان دائمی بین المللی دادگستری با تلاش جامعه ملل تشکیل شد، اما جزء تشکیلات و ارکان جامعه ملل نبود و دولت های عضو جامعه ملل عضو اساسنامه دیوان محسوب نمی شدند، اما در عین حال بودجه آن از طریق جامعه ملل پرداخت می شد و قضات آن هم از طریق جامعه ملل - به همان طریقی که در دیوان فعلی انتخاب می شوند - انتخاب می شدند.

دیوان در مقایسه با دیوان دائمی داوران تحول بزرگی محسوب می شد، زیرا به درخواست جامعه ملل باید آراء مشورتی صادر می کرد و همچنین دولت ها می توانستند عضو اساسنامه آن شوند و قضاوت اجباری آن را در چهار چوب اساسنامه - چه به طور کلی و یا چه در خصوص اختلاف یا اختلافات معینی - بپذیرند و یا برای ارجاع اختلافی به آن با یکدیگر به طور دو یا چند جانبه موافقتنامه امضاء کنند.

در این مدت دولت ها معاهدات و عهدنامه های متعددی را امضاء کردند که در آن صلاحیت حل اختلافات را به دیوان واگذار نمودند و همانطوری که در ماده ۲۶ اساسنامه آن پیش بینی شده بود، بعضی از دولت ها با صدور اعلامیه صلاحیت اجباری دیوان را پذیرفتند.

## گفتار سوم : صلاحیت دیوان دائمی دادگستری بین المللی

دیوان دائمی بین المللی دادگستری دارای دو صلاحیت بوده است:

### صلاحیت ترافیعی

بر طبق بند دوم ماده چهارده میثاق جامعه ملل، صلاحیت عام دیوان، شامل «تمامی قضایایی که به آن مرجع احاله و ناشی از معاهدات و کنوانسیونهای لازم الاجرا بوده»، می‌گشت<sup>۱</sup>.  
بین سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۵، قریب به ۵۵۰ توافقنامه بین المللی که رجوع به دیوان را دربرداشت، منعقد شده بود.

صلاحیت دیوان می توانست ناشی از یک معاهده، پذیرش شرط اختیاری صلاحیت اجباری و توافق خاص<sup>۲</sup> باشد. هنگامی که در معاهده ای از قبل، رجوع به طرق قضایی یا داوری پیش‌بینی نشده بود، انعقاد توافقنامه خاص، ضرورت داشت. اگر درخواست به طور یک جانبه ثبت می‌شد و طرف مقابل به آن پاسخ ماهوی می داد و به طور ضمنی، صلاحیت دیوان را می‌پذیرفت، دیوان صالح به رسیدگی به اختلاف بود.

همچنین هنگامی که یکی از طرفین دعوی تفسیر یا تغییر رای صادره توسط دیوان را خواستار می‌شد، دیوان صالح به رسیدگی بود.

پاره ای از معاهدات بین المللی که پیش از لازم الاجرا شدن میثاق منعقد شده بودند (مانند معاهده ورسای در مواد ۳۳۶ و ۳۸۶)، دیوانی را که جامعه ملل به وجود می آورد، برای رسیدگی به

<sup>۱</sup>- بند ۱ ماده ۳۶ اساسنامه

<sup>۲</sup> - Compromise

اختلافات ناشی از خود معاهده، صالح دانسته بود. در چنین مواردی، بر طبق ماده ۳۷ میثاق، دیوان دائمی دادگستری بین المللی، صلاحیت لازم برای رسیدگی را دارا بود. این امر بعدها به موادی از معاهدات که اعلام می‌داشت « اختلاف مطابق روشی که میثاق پیش بینی کرده باشند، حل و فصل خواهد شد» تسری یافت.

در سال ۱۹۲۹ بنا به درخواست مجمع جامعه ملل، شورای این جامعه، کمیته ای تشکیل داد تا به بررسی امر « اعطای صلاحیت تجدید نظر در احکام صادره از دیوان داور» ، به دیوان دائمی دادگستری بین المللی، بپردازد.

کمیته مزبور پس از بحث و بررسی نظر داد که مجمع می تواند به اعضای خود توصیه نماید که ماده ای را در این خصوص، در معاهدات داور یا معاهدات دو یا چند جانبه خود، درج نماید و یا پروتکلی را در این خصوص برای الحاق تمام کشورها، تنظیم نماید. مجمع در این امر تعلل ورزید ولی در یک مورد خاص، در بیست و هشتم آوریم ۱۹۳۰ در خصوص حل و فصل اختلافات ناشی از معاهده تریانون<sup>۱</sup> منعقد بین چکسلواکی، یوگسلاوی، رومانی و مجارستان، این امر پذیرفته شد که دیوان دائمی بین المللی دادگستری، مرجع تجدید نظر و احکام دیوان داور رسیدگی کننده به اختلافات آنها باشد.

شایان ذکر است که دیوان دائمی بین المللی و دیوانهای داور در کنار هم به حیات خود ادامه دادند و برتری خاصی برای دیوان دائمی در نظر گرفته نشد.<sup>۲</sup>

## صلاحیت مشورتی

<sup>۱</sup> - Trianon peace treaty

<sup>۲</sup> - نگاه کنید، میرعباسی، سیدباقر، سادات میدانی، سیدحسین؛ دیوان بین المللی دادگستری در تئوری و عمل، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۱۶۳.

بر خلاف ترتیبی که در ماده ۹۶ منشور ملل متحد پیش بینی شده است در جامعه ملل تنها شورا و مجمع، امکان درخواست نظر مشورتی از دیوان را داشتند.

در عمل، تمامی درخواستها برای کسب نظر مشورتی دیوان، توسط شورا صورت می گرفت و دبیر کل جامعه ملل از طرف رئیس شورا، درخواستها را به دیوان تسلیم می نمود، بر اساس بند ۳ ماده ۱۴، درخواست می توانست مربوط به هر دعوا یا مسئله ای باشد. مشروط بر آنکه مسئله مطروحه در چهارچوب صلاحیت شورا و مجمع قرار گیرد.

اصولی که در آن زمان برای درخواست رای مشورتی مورد پذیرش قرار می گرفت به شرح زیر بود:

الف- اختیار درخواست رای مشورتی باید به ارکان شورایی<sup>۱</sup> سازمانهای بین المللی اعطا شود. زیرا این ارکان قبل از درخواست نظر مشورتی به مصالح عالیه سازمان و سنجش منافع و مضار درخواست رای، توجه کافی معطوف و سپس در خصوص درخواست رای مشورتی تصمیم گیری می نماید.

ب- اگر چه پذیرش صلاحیت مشورتی، راه جدیدی برای دسترسی به دادگاه بین المللی باز می کند، اما وجود این راه حل، نباید موجب شود که نوعی صلاحیت اجباری دیگری به منظور فرار طرفین اختلاف از ارجاع موضوع اختلافشان در دیوان شکل گیرد.

پ- دادگاه به هنگام دادن نظر مشورتی، به ویژگی های کار قضایی وفادار خواهد ماند. بدین معنا که اصول حاکم بر رسیدگی به اختلاف بین دولتها ( اعمال صلاحیت ترافیعی ) حسب مورد در صلاحیت مشورتی نیز مراعات خواهد شد.

ت- آیین صدور رای مشورتی، باید تا حد امکان با آیین صدور آراء ترافیعی مشابه باشند.

---

<sup>۱</sup> Deliberation bodies

رسیدگی مشورتی نیز همانند دعاوی ترافیعی دارای دو مرحله شفاهی و کتبی بود و نظر مشورتی پس از صدور، در جلسه عمومی قرائت می‌شود.

### گفتار چهارم: مراحل دادرسی و صدور حکم

مراحل دادرسی: جز در مواردی که تقاضای یک جانبه برای دادرسی کافی بود، دادرسی با تسلیم یک توافق خاص دو جانبه آغاز می‌شد. مدیر دفتر دیوان، مفاد توافق ویژه یا تقاضای یک جانبه را به تمامی طرف های ذیربط و دبیر کل جامعه ملل اطلاع می داد تا اعضای جامعه ملل و سایر کشورهای ذی نفع، از محتوای آن آگاه شوند.

در مورد تقاضای یک جانبه، دعوا، تنها زمانی پذیرفته می شد که طرف دیگر صلاحیت اجباری دیوان را پذیرفته باشد. همچنین اگر طرف دیگر جوابیه ای در خصوص موضوع مطروحه تهیه می نمود که ماهیتاً به دفاع پرداخته باشد یا این که رضایت خود را صریحاً یا ضمناً اعلام نموده باشد، یا به موجب توافق قبلی رضایت داده باشد، دعوی در دیوان، پذیرفته می‌شد.<sup>۱</sup>

نحوه رسیدگی، به این صورت بود که در مرحله کتبی، خواهان تقاضای خود و مدارک انضمامی آن را به دیوان تسلیم می کرد و این مدارک و اظهارات، برای خوانده ارسال می‌شد. خوانده به ادعای خواهان پاسخ می‌داد و در صورت لزوم، خواهان نیز متقابلاً به پاسخ خوانده جواب می‌گفت. مرحله شفاهی، شامل استماع اظهارات طرفین، شهود و کارشناسان و نیز بررسی ادله بود. نماینده هر یک از طرفین، مسئولیت دفاع را بر عهده داشت ولی می توانست از کمک مشاوران و یا وکلا نیز استفاده کند.

---

<sup>۱</sup> - میرعباسی، سیدباقر، سادات میدانی، سیدحسین؛ دیوان بین المللی دادگستری در تنوری و عمل، صص ۱۶۷ - ۱۶۸

زمان و جزئیات مرحله شفاهی توسط مدیر دفتر دیوان به طرفین ابلاغ می‌شد. جلسات رسیدگی، علنی بود مگر این که دیوان به گونه دیگری تشخیص می‌داد و یا این که طرفین اختلاف درخواست می نمودند که جلسه به صورت غیر علنی برگزار شود. دیوان در ارزیابی ارزش حقوقی شهود، اختیار کامل داشت.

صدور حکم: پس از پایان یافتن مراحل رسیدگی، دیوان جلسه محرمانه ای برای بررسی و تنظیم حکم خود تشکیل می داد و نهایتاً حکم با اکثریت آراء صادر می‌شد. چنانچه آراء قضات موافق و مخالف مساوی بود، رای رئیس دیوان، قاطع و تعیین کننده می‌گشت.

حکم، حاوی دلایل، نام قضات شرکت کننده در رای گیری و امضای رئیس و مدیر دفتر دیوان می‌شد. پس از صدور، حکم در یک جلسه عمومی قرائت می گردید و از همین هنگام، برای طرفین لازم الاجرا می‌شد. در صورتی که حکم دیوان، نظر تمامی قضات را دربر نداشت، قضات اقلیت می توانستند یک یا چند نظر جداگانه، صادر و ضمیمه حکم نمایند. به نحوی که اگر اصل حکم مورد توافق این دسته از قضات بود ولی دلایل مذکور در حکم، مورد قبول آنها قرار نداشت، قضات مزبور می توانستند نظر جداگانه بدهند ولی اگر این قضات با اصل حکم نیز مخالف بودند، نظر مخالف صادر می‌کردند.

آثار الزام آور احکام دیوان، طبق اساسنامه محدود به طرفین دعاوی و محدود به همان قضیه رسیدگی شده می گردید اما در عمل در طی این سالها دیده شده است که چه دیوان دائمی دادگستری بین المللی و چه دیوان بین المللی دادگستری همواره از سوابق خود و آرای سابق خود در پرونده-

های مشابه بعدی استفاده نموده اند و حتی از این فراتر زمانی بوده است که دیوان فعلی به سوابق و آراء دیوان دائمی در پرونده‌های خود استناد نموده است.

### گفتار پنجم : انحلال دیوان دائمی دادگستری بین المللی

دیوان دائمی دادگستری بین المللی تا سال ۱۹۳۹ - سال حمله آلمان به هلند - عملاً مشغول به کار بود و از مؤسسات مفید بین المللی محسوب می شد تا اینکه در کنفرانس سان فرانسیسکو، این مسئله مطرح شد که آیا دیوان دائمی ( با وجود انحلال جامعه ملل ) باقی بماند و به عنوان مرجع قضایی وابسته به سازمان ملل متحد، به وظایف خود ادامه دهد؟ یا اینکه منحل گردد و دیوان جدیدی جای آن را بگیرد؟

نمایندگان دو لتهای شرکت کننده در کنفرانس، از کار دیوان دائمی رضایت داشتند ولی وضع جدید بین المللی ایجاب می کرد که در اساسنامه دیوان دائمی، اصلاحات اساسی به عمل آید و این اصلاحات می بایست از طرف جامعه ملل صورت می گرفت که دیگر وجود خارجی نداشت.

به علاوه، از یک طرف، عده‌ای از دولت های شرکت کننده در کنفرانس، حق شرکت در مذاکرات مربوطه به اصلاح اساسنامه را نداشتند و از طرف دیگر، کلیه دولت های امضا کننده اساسنامه قدیم، در کنفرانس شرکت نداشتند. ابقاء اساسنامه دیوان دائمی نیز این اشکال را به وجود می آورد که دولت های جدید، حق امضای آن را نداشتند. زیرا امضای اساسنامه، فقط برای دولتهای عضو جامعه ملل و سایر دولتهایی که در ضمیمه میثاق نام برده شده بودند، مجاز بود.

کنفرانس سان فرانسیسکو، به علل فوق الذکر، چنین تشخیص داد که تأسیس یک دیوان جدید، عملی تر است و به سادگی می توان آن را با موازین منشور ملل متحد که زائیده وضع بین المللی جدید بود، تطبیق داد. ولی تصمیم به تشکیل دیوان جدید، مستلزم این نبود که قهرآً رابطه با دیوان



دائمی به کلی قطع گردد؛ لذا اساسنامه دیوان دائمی، با تغییرات مختصری که ضرورت ایجاب می-  
کرد، به عنوان اساسنامه دیوان جدید د، مورد قبول واقع شد و در صلاحیت دیوان از نظر کلی،  
تغییرات اندکی داده شد<sup>۱</sup>.

قضاوت های دیوان دائمی دادگستری بین المللی تا سال ۱۹۴۶ که رسماً منحل شد، نقش زیادی  
در توسعه حقوق بین الملل داشت و پس از جنگ جهانی دوم در دیوان بین المللی دادگستری ادامه  
حیات داد.

و در نهایت دیوان دائمی دادگستری بین المللی در تاریخ ۱۸ آوریل ۱۹۴۶ از طرف مجمع  
عمومی جامعه ملل رسماً منحل شد.

---

<sup>۱</sup> - میرعباسی، سیدباقر، سادات میدانی، سیدحسین؛ دیوان بین المللی دادگستری در تئوری و عمل صص ۱۷۳ - ۱۷۴

## فصل دوم : دیوان بین المللی دادگستری

### کلیات

دیوان بین المللی دادگستری یا دادگاه جهانی رکن قضائی اصلی سازمان ملل متحد است (ماده ۹۴ منشور ملل متحد) که در شهر لاهه ی هلند واقع است.

زبان های رسمی دیوان فرانسوی و انگلیسی هستند . دیوان ۱۵ قاضی دارد که آن ها را مجمع عمومی سازمان ملل متحد و شورای امنیت مشترکاً برای نه سال انتخاب می کنند . هر سه سال پنج کرسی قضاوت خالی می شود<sup>۱</sup> و پنج قاضی دیگر به جمع قضات اضافه می شوند . اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری جزء لاینفکی از منشور ملل متحد است و از اجزای اصلی نظم حقوقی موضوعی بین المللی به شمار می آید . هم چنین اساسنامه دیوان از اساسنامه دیوان دایمی داوری اقتباس شده و تقریباً مشابه یکدیگر اند .

از قضاوت های مشهور دیوان رسیدگی به شکایت انگلستان از دولت ایران درباره شرکت نفت ایران و انگلیس بود که دیوان با رد شکایت انگلستان ، خود را صالح به رسیدگی ندانست و به پیروزی ایران در پرونده نفت، منجر شد ( قاضی اختصاصی ایران در آن دادگاه، دکتر کریم سنجابی از یاران دکتر مصدق بود). اولین جلسه دیوان بین المللی دادگستری در آوریل ۱۹۴۶ در لاهه تشکیل شد و نخستین پرونده ای که در این دیوان رسیدگی شد، مربوط به تنگه کورفو (میان آلبانی و انگلیس) بود که در ماه می ۱۹۴۷ مطرح شد .

---

<sup>۱</sup> Triennial selection

### گفتار اول : اعضای دیوان بین الملل دادگستری

همان طور که گفته شد، دیوان، یکی از ارکان اصلی سازمان ملل متحد است و کلیه کشورهای عضو این سازمان به طور خودکار، عضو دیوان بین المللی دادگستری می شوند و حق رجوع به دیوان را دارند.

### گفتار دوم : صلاحیت دیوان بین الملل دادگستری

#### صلاحیت شخصی دیوان

دیوان صلاحیت رسیدگی به دعاوی موارد زیر را داراست:

- کشورها: فقط کشورها صلاحیت مراجعه به دیوان را دارند (بند ۱ ماده ۳۴ اساسنامه)
- ۱. کشور های عضو سازمان ملل متحد به خودی خود قبول کنندگان اساسنامه دیوان بین الملل دادگستری هستند (بند ۱ ماده ۹۳ منشور).
- ۲. کشورهای دیگر که عضو سازمان ملل متحد نیستند، یا نمی توانند عضو این سازمان باشند با قبول شرایط شورای امنیت که در قطعنامه مورخ ۱۵ اکتبر ۱۹۴۶ شورای امنیت آمده است، حق مراجعه به دیوان را دارند.
- ۳. هر کشوری که عضو سازمان ملل متحد نیست می تواند با قبول شرایطی که در هر مورد بر حسب توصیه شورای امنیت توسط مجمع عمومی معین می گردد اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری را قبول نماید.
- افراد: علی رغم وجود بند ۱ ماده ۳۴ افراد می توانند با توسل به اصل حمایت دیپلماتیک از کشور متبوع خود، تقاضای رسیدگی در دیوان نمایند.

• سازمان های بین المللی: سازمان های بین المللی به هیچ وجه نمی توانند در جهت حل اختلاف خود به دیوان تقاضای رسیدگی دهند اما بند ۲ و ۳ ماده ۳۴ اساسنامه شرایط و نحوه همکاری بین دیوان و سازمان های بین المللی را مشخص نموده.

بند ۲ ماده ۳۴ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری:

دیوان مزبور می تواند طبق شرایط مقرر در آیین نامه خود در مورد دعاوی که به دیوان رجوع شده است از مؤسسه های بین المللی عمومی اطلاعات بخواهند و نیز اطلاعاتی را که این مؤسسات مبتکر به دیوان می دهند دریافت خواهد کرد.

بند ۳ ماده ۳۴ اساسنامه دیوان:

هرگاه در ضمن دعوایی که به دیوان رجوع گردیده تفسیر سند یک مؤسسه بین المللی عمومی و یا تفسیر قرارداد بین المللی که به موجب آن سند قبول شده است مطرح و مباحثه گردد دفتر دیوان باید صورت جلسات کتبی محاکمه را به اطلاع آن مؤسسه برساند.

### صلاحیت ترافی دیوان

برخلاف آنچه تصور می شود، صلاحیت دیوان با صلاحیت محاکم داخلی کشور، بسیار متفاوت است. در حقوق داخلی، دادگاه ها، صلاحیت عام دارند و باید تمام افراد جامعه در مقابل آنها پاسخگو باشند و آرای دادگاه ها نیز به شرط رعایت قواعد شکلی و ماهوی برای همه جنبه الزام آور دارد. لکن دیوان بین المللی دادگستری فاقد چنین ویژگی تعیین کننده ای است. در کنفرانس سان فرانسیسکو که در سال ۱۹۴۵ برای بررسی مسایل مربوط به دیوان تشکیل شد، نماینده ایران، کوشید صلاحیت اجباری دیوان را به دیگر اعضا بقبولاند. هر چند این اقدام با حمایت بسیاری از کشورهای جهان